

شناسایی مهم‌ترین رویکرد در ایجاد تعادل فضایی شهرهای جدید (مورد مطالعه: شهر جدید رامشار سیستان)

نسرین خواجه محمودی^{۱*}، غلامعلی خمر^۲، مصطفی ایستگلدی^۳، ابوذر نکوئی^۴

۱- کارشناس ارشد رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه زابل، ایران.

nasrin_4090@yahoo.com

۲- دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه زابل، زابل، ایران.

۳- استادیار، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زابل، زابل، ایران.

۴- دانشجوی دکتری مهندسی عمران، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی ایران، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱

چکیده

شهرهای جدید ایران با داشتن نقاط ضعف فراوان در مراحل مختلف برنامه‌ریزی و اجرا، هر روز با چالش‌های زیادی روبرو هستند. چالش‌هایی که در بیشتر موارد به یک معضل تبدیل شده و زندگی را برای ساکنان این شهرها سخت کرده است؛ تا زمانی که راهبردهای توسعه بلندمدت در کشور مشخص نباشد، راهبرد ایجاد شهرهای جدید در خدمت توزیع و استقرار نظام فضایی مطلوب و توسعه همه‌جانبه نخواهد بود. بر این اساس پژوهش حاضر به شناسایی مهم‌ترین رویکرد در ایجاد تعادل فضایی شهرهای جدید (مورد مطالعه: شهر جدید رامشار سیستان)، پرداخته است. این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش توصیفی-تحلیلی است. داده‌های مورد نیاز تحقیق به روش اسنادی-میدانی (مصاحبه) گردآوری شد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل اساتید، کارشناسان و مدیران شهر جدید رامشار در می‌باشد که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، ۳۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش تئوری زمینه‌ای (گراند تئوری)، استفاده شد. از نتایج تئوری زمینه‌ای جهت شناسایی مهم‌ترین رویکرد در ایجاد تعادل فضایی شهر جدید رامشار، مقولات (توسعه متوازن، شرایط خاص ژئوپولوتیکی، شناسایی دقیق ویژگی‌های کمی و کیفی منطقه، مدیریت توسعه منطقه‌ای، حکمرانی خوب شهری و گفتمان‌سازی بین سازمان‌های ذی‌ربط) در قالب رویکرد آمایشی، شناسایی شد. این نتایج نشان داد مهم‌ترین رویکرد در ایجاد تعادل فضایی شهر جدید رامشار، رویکرد آمایشی، است.

واژگان کلیدی: شهر جدید، رویکرد، تعادل فضایی، تئوری زمینه‌ای، رامشار.

مقدمه

امروزه شهرنشینی و اثرات مضر آن همچون حاشیه‌نشینی در بسیاری از کشورهای جهان به حد بحرانی رسیده است (He et al, 2020: 106) بنابراین باید هرچه سریع‌تر چاره‌ای برای حفظ، بقا، افزایش پایداری و تعادل محیط‌های شهری اندیشید (براتی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵۱). در فرایند برنامه‌ریزان شهری و منطقه‌ای باید به اصول اولیه که همان قابلیت هر منطقه است توجه داشته باشند. در واقع توسعه مناسب شهری هنگامی محقق می‌شود که سرزمین به تناسب قابلیت‌های آن به کار گرفته شود (Zabihi et al, 2015: 116)، بر این اساس، سیاست احداث شهرهای جدید جهت پراکنش مطلوب و متعادل جمعیت (جوهری تقدس و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۷۲)، در حدود دو دهه پیش، در مجاورت کلانشهرها به منظور جذب سرریز جمعیت تامین مسکن و بسیاری از عوامل دیگر مود توجه قرار گرفت (امامی و عرب، ۱۳۹۶: ۱۳۱؛ مژگانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۵۶؛ اسکندری، ۱۴۰۱: ۱۹۳). شهرهای جدید در مناطق حومه شهرهای بزرگ برای پاسخگویی به تقاضاهای رو به رشد ساخته می‌شوند (Akuh et al, 2023: 4). شهرهای جدید به عنوان ما حاصل تجربه، تفکر، طرح، برنامه‌ریزی، ساخت، سیاست گذاری و آرمانشهر انسانی در برابر شهرهای بحران‌زده اواخر قرن نوزدهم که توانایی توزیع و ساماندهی مناسب جمعیت و فعالیت خود را نداشتند معرفی می‌شوند (خمر و وحدتی، ۱۳۹۳: ۱۴۵). شهرهای جدید، با تمرکز بر ماهیت متمایز در قالب ضریب‌بهره سریع رشد و توسعه شهری، بازتاب‌دهنده ابعاد اختصاصی این رویکرد مبنی بر شهرسازی مقدم بر شهرنشینی است (ارباب و صدیقی، ۱۴۰۰: ۱۲۴). ایجاد شهرهای جدید یک رویکرد برنامه‌ریزی است که در چندین منطقه در سراسر جهان به منظور سازگاری با رشد شهری اتخاذ شده است (Alghais and Pullar, 2018: 44). پس از جنگ جهانی دوم، این شهرها الگویی برای کمک به حل مشکلات اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی ناشی از متمرکز شدن شهرهای بزرگ بودند. از این رو این مدل تا قبل از سال ۱۳۵۷ در بسیاری از کشورهای جهان و ایران با هدف تامین مسکن کارگران بخش صنعتی مورد توجه بوده و پس از پیروزی انقلاب اسلامی عمدتاً مورد توجه جذب جمعیت سرریز بوده است. از شهرهای مادر (علیپور و سبحانی، ۱۳۹۶: ۱۰۱). با این وجود در ایران نگاه به موضوع شهرهای جدید نسبت به سایر کشورها دیدگاهی متفاوت است و کارایی و عملکرد آن نیز با اهداف واقعی ایجاد شهرهای جدید در جهان متفاوت است. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد در ایران ساخت شهرهای جدید با توجه به ضرورت‌ها و نیازهای ملی و منطقه‌ای از یک سو و تمهیدات فرهنگی و اجتماعی از سوی دیگر ساخته نشده است، در حالی که در بسیاری از کشورهای پیشرو در زمینه توسعه و برنامه‌ریزی شهری این گونه شهرها هم در سطح ملی و هم در سطح منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفته و ساخت شهرها با ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی کلانشهرها تطبیق داده شده است (حسین‌زاده دلیر و همکاران، ۱۳۹۰: ۱). سیاست ساخت شهرهای جدید در ایران در اواخر دهه ۱۳۶۰ با هدف کاهش فشارهای جمعیتی بر شهرهای بزرگ مطرح شد. با آغاز ساخت شهرهای جدید، برخی مسائل و مشکلات شهرهای جدید

آشکار شد و انتقادات و پیشنهاداتی برای بهبود آنها بیان شد که تا امروز ادامه داشته است (حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۷۷).

شهرهای جدید در ایران را باید تصمیمی عجولانه با پشتوانه ضعیف کارشناسی دانست. زیرا بر خلاف تمام توصیه‌هایی که در حوزه‌های مختلف مکان‌یابی، اجرایی، اجتماعی و اقتصادی انجام شد، وزارت مسکن و شهرسازی با توجه به امکانات و شرایط اجرایی خود آن را پیش می‌برد. به همین علت هم امروزه جز در نمونه‌های بسیار محدود، آن را تجربه‌ای ناموفق ارزیابی می‌کنند (رهنمایی و شاه حسینی، ۱۳۷۳: ۱۱۶). بنابراین شهرهای جدید نه تنها نتوانستند کارکردهای اقتصادی، اجتماعی و تنوع شغلی را به ارمغان بیاورند، بلکه در کاهش مشکلات شهرهای بزرگ کمتر موثر بوده و نمی‌توانند نقش اساسی در جذب جمعیت سرریز شهرهای بزرگ و ایجاد تعادل فضایی داشته باشند؛ به طور کلی سیاست شهرهای جدید در ایران سیاست، موفق نبوده است (Ziari, 2006: 142).

در این میان شهر جدید رامشمار به عنوان یکی از نتایج مطالعات طرح منطقه‌ای سیستان در پهنه‌ای به وسعت ۱۰ هزار هکتار در ۳۵ کیلومتری زابل جنوب زابل و در مسیر جاده هامون به زاهدان در ۲۳ خرداد ۷۹ به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری رسید. حفظ جمعیت به عنوان یک سیاست‌گذاری با اهداف ملی و پرهیز از مشکلات طبیعی مبتلا به دشت سیستان از دلایل عمده ایجاد شهر جدید رامشمار است. مشکلات کالبدی شهرهای منطقه سیستان؛ پرهیز از مشکلات طبیعی دشت سیستان با توجه به مساله سیل‌گیری و دفع آب‌های سطحی و فاضلاب شهری، دسترسی به راه‌های اصلی درون و برون منطقه‌ای و دسترسی آسان به آب و برق و سایر تأسیسات زیربنایی، نزدیکی به منطقه تاریخی شهر سوخته و مقبولیت اجتماعی مکان استقرار و مجاورت با دریاچه هامون و برخورداری از آب و هوا و منظر مناسب از اهداف و ویژگی‌های ساخت شهر جدید رامشمار است. بنیان اقتصادی این شهر جدید به بستر پتانسیل‌های منطقه (فعالیت‌های بازرگانی - خدماتی) و نیازهای آن (فعالیت‌های صنعتی) پی‌ریزی شده است و به بیانی روشن‌تر استفاده از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های بازرگانی در میان مدت، امکان سرمایه‌گذاری در بخش صنعت در بلند مدت را فراهم خواهد کرد. احداث منطقه ویژه اقتصادی رامشمار و پیشنهاد ایجاد منطقه آزاد سیستان در پیوند با منطقه آزاد چابهار و اتصال کشورهای آسیای میانه و افغانستان به آب‌های آزاد در راستای بهره‌مندی از این ظرفیت است (شرکت عمران شهر جدید رامشمار، ۱۴۰۲). اما امروزه شهر جدید رامشمار خود با مشکلات و چالش‌های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، ارتباطی و برنامه‌ریزی و در نهایت عدم جمعیت‌پذیری مواجه است. لذا این مطالعه، به شناسایی مهم‌ترین رویکرد در ایجاد تعادل فضایی شهرهای جدید (مورد مطالعه: شهر جدید رامشمار سیستان)، پرداخته و سعی کرده جنبه‌های نوینی در تحقق دستیابی به پایداری در این شهر ارائه دهد. در این راستا در پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به سوال ذیل است: مهمترین رویکردی که می‌توان در ایجاد تعادل فضایی شهرهای جدید (شهر جدید رامشمار) استفاده نمود کدام است؟

مبانی نظری

در گذشته نگرش حاکم نسبت به برنامه ریزی بیشتر متمرکز بوده و به توسعه متوازن بر اساس ظرفیت‌های طبیعی و انسانی مناطق خود توجه چندانی نداشته است. این روند تضاد بین مناطق و درون مناطق در منطقه جغرافیایی را افزایش داده است. بنابراین توسعه آمایش سرزمین به عنوان فرآیندی پویا، منعطف و مناسب با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی مناطق مختلف یک نیاز و ضرورت اساسی است تا از این طریق بتوان کاستی‌های نظام آمایش را برطرف کرد و به سمت متعادل حرکت کرد (علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۲). یکی از راهکارهایی که در آمایش سرزمین برای تمرکززدایی و توزیع مجدد جمعیت و امکانات اندیشیده شده است، توسعه شهرها و احداث شهرهای جدید است که باید بر اساس معیارهای محیطی، اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، فاصله جغرافیایی و ... باشد (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۳۱).

اهداف ساخت شهرهای جدید در کشورهای مختلف با توجه به ضرورت ایجاد آنها و نظام حاکم بر کشورها متفاوت است. امروزه هدف از ساخت شهرهای جدید تنها تحقق ایده سکونتگاه آرمانی در تاریخ شهرنشینی نیست (صرافین، ۱۳۸۲: ۱۴)، اما تحقق اهداف اصلی شهرها امروزه جدید است، یعنی «تمرکززدایی از مراکز شهری، به گونه ای که امکانات مادی و انسانی در تمام بخش‌های جامعه توزیع شود» (ربانی و وحید، ۱۳۸۱، ۹۷).

در رابطه با موضوع شهرهای جدید با نگاه آمایش، تحقیقات داخلی و خارجی زیادی صورت گرفته که در ذیل به تعدادی از آنها اشاره خواهد شد: جواهری تقدس و همکاران (۱۳۹۹)، در تحقیقی با عنوان نقش شهرهای جدید در ایجاد تعادل در ساختار کالبدی- فضایی کلانشهرها با رویکرد و سیاست‌های توسعه سرزمینی نشان دادند که شهرهای جدید تأثیری بر تعادل ساختار کالبدی- فضایی کلان شهر تهران نداشته و این شهرها نتوانسته‌اند تأثیر چندانی در جذب جمعیت منطقه داشته باشند. سنچولی و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی به تحلیل آمایشی رویکردهای برنامه- ریزی و طراحی شهر جدید تیس در راستای توسعه منطقه‌ای سواحل مکران، پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که خروج منطقه از محرومیت و آسیب‌پذیری، ایجاد قطب علمی و آموزشی در منطقه و طراحی شهری نوین و هوشمند برای ایجاد شهر پایدار مهمترین رویکردهای تبیین کننده برنامه‌ریزی و طراحی شهر جدید تیس بوده‌اند. همچنین بین رویکردهای برنامه‌ریزی و طراحی شهر جدید تیس و توسعه منطقه‌ای سواحل مکران ارتباط معنادار و مثبتی وجود داشته و در این بین متغیر سرمایه‌گذاری در سواحل مکران بالاترین ارتباط را با توسعه منطقه‌ای در منطقه مورد مطالعه را داشته است. غلامی و همکاران (۱۴۰۱). در پژوهشی به تعیین شاخص‌های ایجاد شهرهای جدید و ارزیابی میزان دستیابی به اهداف در شهر جدید پردیس، پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که شهر جدید پردیس تا حدودی توانسته است به اهداف طرح تفصیلی دست پیدا نموده، ولی ناکافی بودن زیرساخت‌های ایجادشده و عدم تناسب تعداد مشاغل و

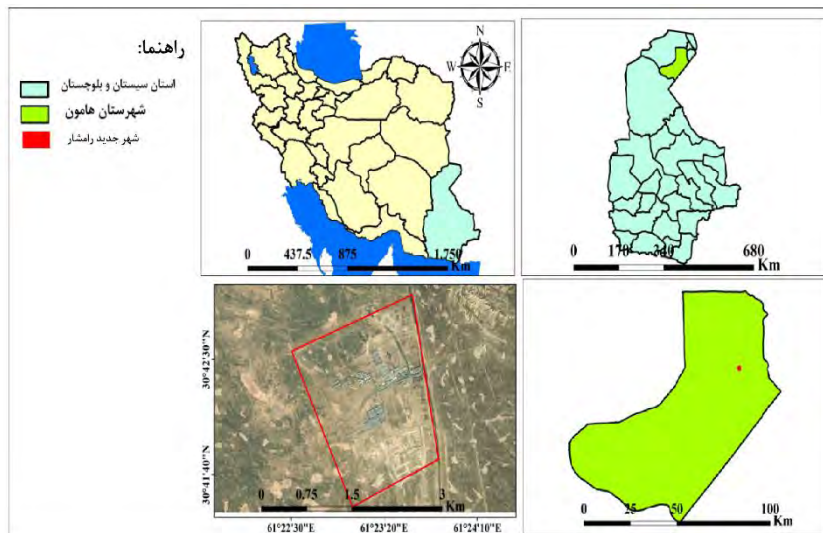
تعداد خانوار و عدم رونق و پویایی اقتصاد پایه در شهر، سبب ایجاد وابستگی به مشاغل خارج شهر شده و به نظر می‌رسد نتوانسته است به اهداف افق طرح دست پیدا نماید. جهان یوسف‌پور و همکاران (۱۴۰۲)، در پژوهشی به پراکندگی هویتی در شهرهای جدید و راهکارهای شکل‌دهی به هویت مستقل در شهر جدید پردیس، پرداخته‌اند. نتایج حاصل نشان داد که بدنه مدیریت شهری «تعاملات دوسویه بخش شمالی و جنوبی شهر» و پس‌از آن «گسترش پارک فناوری» را مؤثر بر ایجاد یک هویت مستقل دانسته اما شهروندان «به‌کارگیری بومیان» در پارک فناوری و پس‌از آن «بهره از نقاط مشترک اقوام» در تعریف فعالیت‌های جاذب را بر خلق هویتی خودمختار اثرگذار دانسته‌اند. رومباچ (۲۰۱۴)، در پژوهشی به تحلیل خطرات طبیعی ایجاد شهرهای جدید در منطقه خود در کلکته هند پرداخته است. یافته‌ها نشان که شهر (سالت لیک) می‌دهد که شهر جدید منطقه کلکته از لحاظ شرایط محیطی بر روی زمین‌های نامساعد نمکی ساخته شده است. این شهر از لحاظ زیرساختی (مسکن و فضای سبز و...) بخصوص در حاشیه این شهر با معضل روبرو می‌باشد. القیس و پولار (۲۰۱۸)، در پژوهشی به پیش‌بینی سناریوهای آینده شهر جدید در کویت، پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که تأثیرات ساخت شهرهای جدید در تمامی سناریوهای مختلف از نظر کاهش تراکم ترافیک و کمبود مسکن در مقایسه با رویکرد معمول گسترش مرکز شهری موجود مطلوب خواهد بود. علاوه بر این، پاسخ‌های نظرسنجی تأیید می‌کند که دیدگاه‌های ساکنان با اولویت‌های دولت در طرح جامع شهرهای جدید همسو هستند و شانس اجرای موفق پروژه را بیشتر می‌کنند. چانگ و همکاران (۲۰۱۹)، در پژوهشی سیاست‌های ایجاد شهرهای جدید در جهت برنامه‌ریزی و ایجاد مسکن در سئول در کره جنوبی را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که سیاست ایجاد شهرهای جدید در سئول از جهت‌گیری‌های سیاسی نشأت گرفته هر چند که این مهم آسیب‌های زیست‌محیطی، در سطح منطقه ایجاد کرده است اما به نظر می‌رسد سیاست ایجاد شهرهای جدید همچنان ادامه پیدا کند. بانگورا و لی (۲۰۲۳)، در پژوهشی به اتصال فضایی و قیمت مسکن: در شهر سیدنی و شهر جدید نیوساوت ولز در استرالیا، پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که زمانی که خانوارهای با هزینه‌های زیاد در زمینه مسکن در سیدنی روبرو می‌شوند و تفاوت‌های قیمت مسکن در نیو ساوت ولز را با سیدنی مقایسه می‌کنند به به آنجا مهاجرت می‌کنند. سو (۲۰۲۳)، در پژوهشی با عنوان ساخت شهرهای جدید در جهان سوم نشان داد رشد قارچ گونه تحولات شهرهای جدید در بسیاری از کشورهای در حال توسعه در دو دهه گذشته رخ داده است که پیامدهای عمیق اجتماعی-اقتصادی، زیست‌محیطی و سیاسی- نهادی را به دنبال دارد. سایر نتایج نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی نئولیبرالی به‌طور گسترده به‌عنوان ابزاری حیاتی در توسعه شهرهای جدید در سراسر جهان سوم مورد استفاده قرار گرفته است، که پیامدهای زیان‌باری مانند طرد اجتماعی و نابرابری، تکه تکه شدن فضایی و زوال محیطی را ایجاد کرده است.

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف یک تحقیق کاربردی و دارای ماهیتی توصیفی-تحلیلی و از نظر روش‌شناسی (کیفی) و در نهایت بر اساس نحوه گردآوری داده‌ها، یک تحقیق توصیفی و غیر آزمایشی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل اساتید، کارشناسان و مدیران در سطح منطقه سیستم می‌باشد که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب خواهند شد. در این نوع نمونه‌گیری، افرادی برای نمونه انتخاب می‌شوند که برای ارائه اطلاعات مورد نیاز در بهترین موقعیت قرار دارند. جامعه کارشناسان شامل (مدیران، کارشناسان و مسئولان منطقه سیستم، اساتید دانشگاه، مدیران شرکت عمران شهر جدید رامشمار، دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته جغرافیا و...) هستند که ۳۰ نفر مورد پرسشگری قرار گرفتند. روش‌های گردآوری اطلاعات به دو صورت کتابخانه (اسنادی) و میدانی (مصاحبه) است. روایی زیر نظر اساتید راهنما و مشاور به عنوان هدایت گران تحقیق، پذیرفته شده است. جهت بررسی پایایی (کیفی) از روش اطمینان‌پذیری که معادل پایایی در پژوهش کمی می‌باشد استفاده شده است. اطمینان‌پذیری به درجه بازیافت و تکرار پذیری داده‌ها توسط سایر پژوهشگران اطلاق می‌شود. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش تئوری زمینه‌ای (گراندد تئوری)، استفاده شد. گراندد تئوری روشی نظام‌مند و منسجم است. گردآوری داده‌ها در گراندد تئوری ممکن است به روش‌های متعددی از جمله مصاحبه، بررسی اسناد و مشاهده حاصل شود؛ داده به هر شکل که گردآوری شود ترجیحاً باید کیفی و مفصل باشد، در واقع نظریه بر اساس داده بنا می‌شود. داده‌های گردآوری شده در پژوهشی که مبتنی بر گراندد تئوری است در واقع اجزای سازنده‌ی تئوری در دست تدوین را تشکیل می‌دهند.

محدوده مورد مطالعه

شهر جدید رامشمار در ۳۵ کیلومتری شهر زابل و در مسیر جاده زابل به زاهدان قرار گرفته است. مختصات جغرافیایی آن ۳۰ درجه و ۴۰ دقیقه عرض شمالی و ۶۱ درجه و ۲۵ دقیقه طول شرقی است و در ارتفاع متوسط ۴۹۵ متری از سطح دریا واقع شده است. اراضی شهر جدید رامشمار از طرف شمال با دشت لوتک و از طرف جنوب با دشت قلعه رستم و از طرف غرب با سواحل دریاچه‌ای هامون همجوار است. در انتخاب نام شهر جدید رامشمار، آنچه که هویت این سرزمین را منعکس می‌سازد مد نظر قرار گرفته است (شرکت عمران شهر جدید رامشمار، ۱۴۰۲).



شکل (۱): موقعیت محدوده مورد مطالعه، مأخذ: ترسیم توسط نگارندگان، ۱۴۰۲.

یافته‌ها

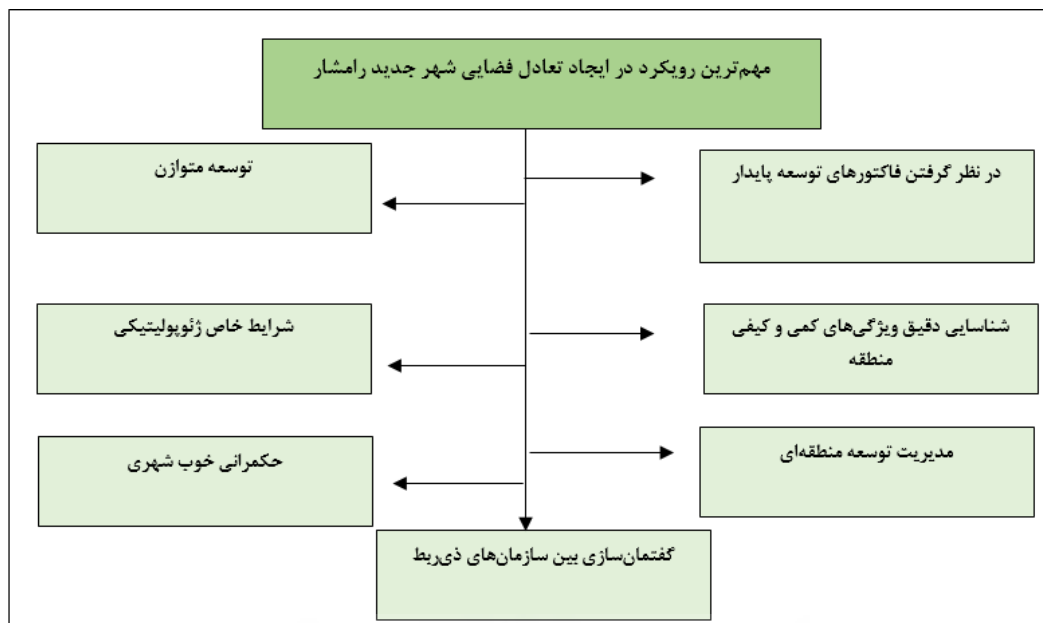
به منظور شناسایی مهم‌ترین رویکرد در ایجاد تعادل فضایی شهر جدید رامشار از مدل تئوری زمینه‌ای استفاده شد. بر این اساس، در مجموع ۳۰ مصاحبه عمیق صورت گرفت. مصاحبه‌ها بین (۴۰ تا ۵۰ دقیقه) ضبط و یادداشت و بلافاصله پیاده‌سازی شد تا با مرور چند باره گفتگوها، تحلیل و بررسی دقیق‌تری نسبت به دیدگاه‌های خبرگان و متخصصان صورت گیرد.

جدول (۱): مهم‌ترین رویکرد در ایجاد تعادل فضایی شهر جدید رامشار

مفاهیم	مقوله‌ها (طبقات)	رویکرد
مصاحبه شوندگان		
X2, X3, X4, X6, X9, X10, X12, X15, X19, X22, X26, X28	تمرکززدایی از شهرهای مادر	توسعه متوازن
	امکانات مادی و انسانی در کلیه بخش‌های جامعه	
	تنظیم ارتباط بین انسان، فضا و فعالیت در شهر رامشار	
X13, X14, X16, X17, X19, X22, X25, X27	فرهنگی	شرایط خاص ژئوپولیتیکی
	اجتماعی	
	اقتصادی	

	سیاسی و نظامی		
X1-X20	دسترسی به توسعه منطقه‌ای، متوازن و یکپارچه	در نظر گرفتن فاکتورهای توسعه پایدار	آمایش
	استفاده بهینه از منابع برای توسعه و پیشرفت شهر جدید		
	سازماندهی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیط زیست برای تحقق آینده مطلوب شهر		
X2, 5, X7, X9, X11, X15, X17, X19, X22	خصوصیات جمعیتی، نیروی کار	شناسایی دقیق ویژگی‌های کمی و کیفی منطقه	
	میزان منابع طبیعی		
	میزان تولیدی و سرمایه‌ای		
	ویژگی‌های مصرفی و بازارهای درون منطقه‌ای		
X1-X20	اثر بخشی فعالیت‌ها از سوی مدیران	حکمرانی خوب شهری	
	پاسخگویی مدیران و مقامات دولتی		
	مشارکت بین مسئولین و مردم		
X3, X5, X6, X10, X11, X12, X15, X17, X22, X27, X30	ساختار اداری مناسب	مدیریت توسعه منطقه‌ای	
	ایجاد هماهنگی بین بخش‌های مختلف		
	تخصصی کردن نقش‌های محوری در بین سازمان‌ها		
	تخصیص بودجه		
	رویکرد سیستمی به توسعه		
X22, X34, X55, X78, X11, X10	توسعه فضای تنفسی با عزم همگان اعم از مدیران اجرایی، برنامه‌ریزان و سیاستگذاران، نهادهای عمومی و خصوصی، ساکنین محلی	گفتمان‌سازی بین سازمان-های ذی‌ربط	
	هم اندیشی متصان و کارشناسان در راستای شناسایی نقاط قوت و ضعف شهر رامشمار		
	هم اندیشی متصان و کارشناسان در راستای شناسایی فرصت‌ها و تهدیدات ایجاد شهر جدید رامشمار		

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۳



شکل (۲): مهم‌ترین رویکرد در ایجاد تعادل فضایی شهر جدید رامشار، مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

مطابق جدول (۱) و شکل (۲)، مقولات (توسعه متوازن، شرایط خاص ژئوپولیتیک، شناسایی دقیق ویژگی‌های کمی و کیفی منطقه، مدیریت توسعه منطقه‌ای، حکمرانی خوب شهری و گفتمان‌سازی بین سازمان‌های ذی‌ربط) در قالب رویکرد آمایش به عنوان دلایل اهمیت این رویکرد در ایجاد تعادل فضایی شهر رامشا، از دل مصاحبه‌ها شناسایی شد. در این راستا، با رویکرد داستان‌سرایی به بررسی هر یک از آنها پرداخته شد:

➤ توسعه متوازن و در نظر گرفتن فاکتورهای توسعه پایدار

توسعه متوازن از دلایل با اهمیت در بکارگیری رویکرد آمایش در ایجاد تعادل فضایی شهر رامشار است. بر این اساس، متخصصان مطرح نمودند:

... "در بیانیه گام دوم انقلاب، مبحث عدالت توصیه و تاکید شده و این دو را لازم و ملزوم یکدیگر دانسته‌اند، و اهمیت آن به حدی است که سبب سعادت دنیا و آخرت فرد و جامعه می‌شود. بر این اساس، تحقق عدالت از دو جنبه نیز قابل بررسی است. جنبه اول: جغرافیایی و جنبه دوم: منطقه‌ای..."

... "شهر جدید رامشار به دلایل مختلفی از جمله: دوری از مرکز، موقعیت طبیعی، رویکرد متمرکز، توسعه از بالا به پایین و ...، از نبود عدالت رنج می‌برد. بنابراین رویکرد آمایش می‌تواند با در نظر گرفتن تمامی جنبه‌های اقتصادی،

سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با هدف سازماندهی ایجاد قسط و عدل در جامعه، امکانات مادی و انسانی را در کلیه بخش‌های جامعه شهری فراهم نماید..."

... "از عمر نظام برنامه‌ریزی در ایران که بر اساس برنامه‌ریزی بخشی پایه‌ریزی شده است، حدود ۶ دهه می‌گذرد، این نگرش همواره به عدم تعادل‌های منطقه‌ای، حاشیه‌ای شدن برخی مناطق از جمله سیستان، از دست دادن منابع و توان‌های منطقه‌ای و در نهایت نابرابری سرزمین منجر شده است..."

متخصص دیگر نیز مطرح نمود:

... "آمایش سرزمین در کنار برنامه‌ریزی‌های اقتصادی در شهر رامشار، ضمن تکمیل و بالندگی نظام برنامه‌ریزی در سیستان می‌تواند پاسخگوی بسیاری از مشکلات و کمبودها باشد..."

... "با توجه به اینکه توانمندی‌ها و استعدادها و امکانات این شهر از سوی مدیران اجرایی و بسیاری از سیاستگذاران توسعه مورد غفلت قرار گرفته شده است، آمایش سرزمین می‌تواند به عنوان یک برنامه‌ای راهبردی، مهم‌ترین جهت‌گیری توسعه بلندمدت را در شهر رامشار به منظور بازنمایی امکانات، استعدادها، توانایی‌ها از یک سو و محدودیت‌ها و تنگناها از سوی دیگر، برای زودن نارسایی‌ها و ایجاد تعامل مطلوب بین عناصر انسان، فضا و فعالیت بر عهده بگیرد..."

در ادامه نیز متخصصان دیگر مطرح نمودند:

... "برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای به معنای توسعه برای مردم در محدوده فضای مورد نظر است، و در نهایت راه‌حلی را به منظور سامان دادن به فعالیت‌ها در فضای شهری می‌دهد. بر این اساس، بین این نوع برنامه‌ریزی و آمایش رابطه وجود دارد، چرا که اصلی‌ترین جهت‌گیری هر دو رسیدن به توسعه پایدار است..."

... "شناخت و اطلاع درست از توانمندی‌ها و کاستی‌های شهر رامشار در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیط زیست، مدیریت به ما می‌گوید: چه داریم و چه کم داریم. تجربه برنامه‌ریزی و اجرای طرح شهر رامشار نشان داده است که کم‌توجهی و عدم نگرش به بعد فضایی و نتایج مکانی تصمیم‌گیری‌ها سبب تشدید عدم تعادل منطقه‌ای شده است. بدون شک ریشه بسیاری از این نابسامانی‌ها و عدم تعادل در نظام برنامه‌ریزی شهر رامشار نهفته است..."

متخصص دیگر نیز اشاره نمود:

... "در سیستان رشد بدون برنامه و ناموزون آمایشی چه از لحاظ اقتصادی و چه از لحاظ اجتماعی و شهرنشینی مشکل اساسی را در مسیر توسعه ایجاد نموده است که این پیامدهای مختلفی را به همراه داشته است. در این بین؛

شهر جدید رامشار در راستای تعادل فضایی لازم است به اهداف آمایش بپردازد، هر چند اهدافی از جمله: کارایی و بازده اقتصادی، وحدت و یکپارچگی، گسترش عدالت و تعادل‌های منطقه‌ای و رفع محرومیت‌ها در ایران و شهرهای جدید از جمله رامشار در بخش اجرایی با مشکل مواجه خواهد شد، زیرا در اجرای این اهداف ضمانت اجرایی وجود ندارد، و قانونی آنها را پشتوانه نمی‌کند.

➤ شرایط خاص ژئوپولیتیکی

یکی از مقوله‌های مهم در توجه به رویکرد آمایش در تعادل فضایی شهر جدید رامشار، شرایط خاص ژئوپولیتیکی است. در این راستا، متخصصان اذعان نمودند:

"... شهر جدید رامشار و به طور کلی مناطق مرزی در جنوب شرقی ایران با داران بودن ظرفیت‌های ژئوپولیتیک فوق‌العاده اقتصادی، امنیتی، دسترسی، ارتباطات منطقه‌ای و بین‌المللی واجد کارکردهای تولیدکننده‌ی قدرت در کشور است که تاکنون مورد غفلت واقع شده است، ولی با وجود دارا بودن پتانسیل‌های فوق‌الذکر که دیگر مناطق ایران فاقد چنین پتانسیل‌هایی هستند، یکی از محروم‌ترین مناطق کشور به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و محیطی محسوب می‌گردد. از این رو، می‌توان گفت توسعه آینده‌ی شهر جدید رامشار وابسته به طراحی سیاست‌های کارآمد و استفاده‌ی بهینه از کارکردهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی این شهر است...."

"... برای اجرایی کردن و رسیدن به اهداف طرح توسعه محور شرق کشور، و تحولات عظیم اقتصادی برای شهرهای جدید از جمله رامشار رویکرد آمایشی می‌تواند گزینه مناسبی باشد...."

از سوی دیگر متخصص دیگر نیز مطرح نمود:

"... معمولاً مناطق مرزی ایران از جمله شهر رامشار از حساس‌ترین نقاط و دارای شرایط ویژه استراتژیک به حساب می‌آیند. در این مناطق مولفه‌های ژئواکونومیک شامل: بازارچه‌های مرزی، تبادلات مالی، امنیت اقتصادی و در عین حال مولفه‌های ژئوپولیتیکی مانند قومیت، مسیرهای ارتباطی و ... دارای اهمیت خاصی هستند...."

همان متخصص نیز اذعان نمود: "... ژئوپولوتیک با آمایش سرزمین پیوند تنگاتنگی دارد. به عبارت دیگر، مولفه‌های (شکاف‌های قومی و مذهبی و ...) تحت تاثیر عوامل درون منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است، به طوری که پیامدهای منفی آن نیز در ژئواکونومیک موثر است و در صورت تداوم آن، اهداف آمایش سرزمین جهت تحقق پیدا نمی‌کند...."

دو تن از متخصصان دیگر نیز بیان نمودند:

... "استان سیستان به طور کلی و شهر رامشار به طور خاص، به لحاظ مسائل ژئوپولیتیکی با مسائل و مشکلاتی متعددی از جمله: دور بودن از مرکز و توسعه نیافتگی در ساختار اجتماعی و اقتصادی، تنگدستی شدید اقتصادی، شرایط اقلیمی و جغرافیای گمراه کننده، عدم کنترل افغانستان و سرانجام موضوع های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و داد و ستدهایی که همه با هم ارتباط دارند، بستر ناامنی را در منطقه ایجاد نموده است و تاثیرات خود را بر روی عدم تحقق کارکردهای آمایش سرزمین و کاهش دوگانگی و شکاف بین مرکز و پیرامون گذاشته است..."

➤ شناسایی دقیق ویژگی های کمی و کیفی منطقه

از دیگر دلایل مهم در استفاده از رویکرد آمایش در تعادل فضایی شهر رامشار، شناسایی دقیق ویژگی های کمی و کیفی منطقه است. بر این اساس چند تن از متخصصان مطرح نمودند:

... "قبل از اجرای طرح شهرهای جدید از جمله شهر رامشار، لازم است ویژگی های کمی و کیفی شهر مورد بررسی قرار گیرد تا از هر گونه برنامه ریزی غلط و نادرست و هزینه های اضافی جلوگیری شود. بر این اساس مطابق مصاحبه های صورت گرفته، بسیاری از سازمان های اجرایی و مدیران نسبت به ویژگی های این منطقه آگاهی و اطلاع لازم و کافی را نداشتند و طرح های نادرست و نامنطبق با شرایط منطقه پیشنهاد و در نهایت اجرا کردند. بر این اساس، آمایش سرزمین، کارکرد کانون های جمعیتی را در قلمروهای متفاوتی از فعالیت ها می بینید و نقش عملکرد واقعی یک منطقه را در شرایط متعادل بهره گیری و خدمات رسانی، نمایان می سازد..."

... "در شهر رامشار به رغم وجود قابلیت های فراوان، شاخص های توسعه در سطوحی مطلوبی قرار ندارد و ارتقای این شاخص ها تا سطح شاخص های میانگین ملی، اقدامات و سرمایه گذاری های فراوانی را می طلبد که با برنامه ریزی متناسب آمایش می توان به آن سطح مطلوب توسعه دست یافت..."

... "از نظر کیفی برنامه ها باید منطبق بر استعدادها و قابلیت های منطقه طراحی و اجرا شود و از لحاظ کمی نیز منطبق با جمعیت، نیروی کار و، شناسایی شوند..."

متخصص دیگر نیز مطرح نمود:

... "توجه به فعالیت های صنعتی و خدماتی که دارای رشد بالای ارزش افزوده باشند و سرمایه گذاری در این زمینه به خصوص در شهر رامشار که موقعیتی جدید برای رشد اقتصاد منطقه ای ایجاد می کند، قادر است به کاهش بیکاری، ولو در سطح سیستان نیز کمک کند..."

... "همچنین لازم است به بسترهای این شهر نیز به منظور ارتقای اشتغال خدماتی و خدمات‌رسانی برای جذب جمعیت تمامی قشرهای جامعه به خصوص متوسط و بالا برای افزایش سرمایه با توجه به پتانسیل‌های محیطی و کیفیت زندگی توجه شود..."

در ادامه نیز متخصص دیگر اذعان نمودند:

... "هدف این رویکرد توزیع و تقسیم جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی و عمرانی در پهنه شهر رامشار، اجرای استراتژی بهزیستی برای فرد و جامعه، استفاده مطلوب از منابع طبیعی، نیروی انسانی به منظور توسعه اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی شهر است. همچنین، با نگاه آمایشی به شهر رامشار می‌توان از موقعیت ممتاز این شهر برای کسب جایگاه شایسته منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده نمود، و با ارتقاء کارایی و بازدهی اقتصادی، توان اقتصادی این منطقه را توسعه داد، و با هدف دستیابی به تعادل منطقه‌ای متناسب با قابلیت‌ها و توان‌های شهر رامشار به توسعه منابع انسانی و سازماندهی نظام جمعیت پرداخت...."

... "یکی از مزیت‌های این شهر در توسعه اقتصادی، گردشگری است. بر این اساس، در بخش گردشگری نیز پیشنهاد می‌گردد، بستری مناسب برای استفاده گردشگران داخلی و خارجی با توجه به تاریخ کهن منطقه و همجواری شهر جدید رامشار با شهر سوخته با تمرکز بر رویکرد آمایش سرزمین صورت گیرد.

➤ حکمرانی خوب شهری

از دیگر دلایل مهم در راستای اهمیت رویکرد آمایش در تعادل فضایی شهر رامشار، حکمرانی خوب شهری است. بر این اساس، چند تن از متخصصان به موارد ذیل اشاره نمودند:

... "با وجود نابرابری و عدم تعادل فضایی، حکمرانی بد شهری در شهر رامشار به هیچ وجه در شهرهای جدید ایران پدیده‌ای جدید نیست، ولی در این شهر به دلیل فاحش بودن تفاوت‌های اجتماعی، اقتصادی، نابرابری و عدل، تعادل در توزیع خدمات شهری تفاوت فضاهای شهری در سیستم تشدید است. در این راستا، نیازمند ظرفیت مدیریت قابل توجهی است تا بتواند عدالت اجتماعی را در این شهر ایجاد نمود و به نظر می‌رسد که حکمروایی شهری قابلیت فراهم کردن آن دارد..."

... "الگوی حکمروایی خوب شهری در حال حاضر اثربخش‌ترین، کم هزینه‌ترین و پایدارترین شیوه اعمال مدیریت است تا بتوان عدالت اجتماعی را در شهر رامشار اعمال نمود..."

... "بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته در سؤال قبلی، مشارکت جوامع محلی با نهادهای خصوصی و سازمان‌های دولتی در شهر رامشار بسیار کم است، در این بین با بهره‌گیری از الگوی حکمروایی خوب شهری، دولت، شهروندان و نهادهای خصوصی در یک جریان افقی و فرابخشی به مشارکت می‌پردازند. در این بستر است که می‌توان امیدوار به حل مشکلات و معضلات ساختاری و کارکردی شهر رامشار بود و عدالت اجتماعی را در سطح فضاهای شهری با حکمرانی خوب شهری پدیدار نمود...."

... "میزان پاسخگویی مسئولان نسبت به طرح‌های نامنطبق با شهر رامشار بسیار کم بوده، بر این اساس لازم است شفافیت، پاسخگویی مسئولین نسبت به ساکنین محلی افزایش یابد...."

... "در بسیاری از مواقع، مشاهده شده، طرح‌های مناسب برای شهر رامشار پیشنهاد شده و پس از تهیه به دستگاه‌های بخشی مربوط ابلاغ شده‌اند و به دلیل نبود حکمروایی شایسته توسط سازمان‌هایی چون راه و شهرسازی، فرمانداری و استانداری اغلب در اجرا با شکست مواجه شده‌اند...."

... "شهر رامشار نه تنها پاسخگوی مشکلات شهری نشده، بلکه در فرایند شهرنشینی سیستم نیز مشکلاتی را به وجود آورده است و دچار شکاف مدیریتی شده است. شکاف مدیریتی در این شهر منجر به ساماندهی نامطلوب فضای رامشار شده است. بر این اساس، از دیدگاه متخصصان رویکرد آمایشی به عنوان ساماندهی مطلوب فضا در جهت نیل به اهداف و استراتژی‌های توسعه پایدار شهر می‌تواند موثر واقع شود...."

➤ مدیریت توسعه منطقه‌ای

مدیریت توسعه منطقه‌ای با واحدهای معنایی: ساختار اداری مناسب، ایجاد هماهنگی بین بخش‌های مختلف، تخصصی کردن نقش‌های محوری در بین سازمان‌ها، تخصیص بودجه و رویکرد سیستمی به توسعه شناسایی شد. در این بین، متخصصان اشاره نمودند:

... "وقتی بحث از مطالعات آمایش به میان می‌آید، یکی از اولین موضوعاتی که بی‌درنگ به ذهن هر پژوهشگری خطور می‌کند، مدیریت توسعه منطقه‌ای است، بر این اساس برنامه‌ریزی در آمایش سرزمین بدون مدیریت توسعه منطقه‌ای عملاً کاربردی نخواهد داشت...."

... "نابرابری فضایی در شهر رامشار را می‌توان با عدم تخصیص بودجه در نظر گرفت. وجود برخی اعتراضات و نارضایتی‌ها از نحوه اعتبار به شهر رامشار و بی‌عدالتی خواندن نحوه آن در بین مدیران اجرایی و سازمان‌های ذی‌ربط ناشی از عدم توجه به اهمیت آمایش سرزمین است...."

... "تمامی فعالیت‌های عمرانی و رفاهی شهر رامشار بر اساس آمایش سرزمین انجام نشده و اقداماتی از جمله: جاده، بیمارستان، و بر اساس معیارهای متناسب و استاندارد احداث نشده و تنها به منظور فعالیت‌های سیاسی و تبلیغاتی بعضی از گروه‌های متقاضی شرکت در ساختار قدرت کشور بوده است. بنابراین، در شرایط پیش آمده در شهر رامشار و همچنین جمعیت و تقاضای آینده و چشم‌انداز این شهر مبتنی بر نامه‌ریزی منطقه‌ای آمایش سرزمین به نتیجه خواهد رسید..."

... "در شهر رامشار، به مسائل اقتصادی، اجتماعی و ... به طور مجزا بررسی شده است، در این راستا برای ارتباط متقابل هر یک از این مسائل با هم لازم است با دیدگاه سیستمی آنها را مورد بررسی قرار داد..."

... "آمایش سرزمین، زیربنایی مدیریت توسعه منطقه‌ای است و به بیانی دیگر، ابزار اصلی برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری - های منطقه‌ای است، و زمینه اصلی تهیه برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی شهر را فراهم می‌آورد و ابزار اصلی تلفیق برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی با برنامه‌های فیزیکی و فضایی است..."

... "در آمایش سرزمین، بین تمام اجزاء شهر ارتباط ارگانیک برقرار می‌شود و تنظیم و هماهنگ کردن برنامه‌های مختلف را با نیازها و امکانات محلی و همراه با مشارکت مردم و در نهایت موجبات برنامه‌ریزی از پایین به بالا را در شهر ایجاد می‌کند..."

... "در بسیاری از سازمان‌های ذی‌ربط و بین مدیران اجرایی و کارکنان مشاهده شده که افراد بدون در نظر گرفتن حیطه شغلی و تخصص یک بخش از کار را به عهده گرفته‌اند بدون آنکه اطلاع و زمینه علمی و تجربه کافی را داشته باشند..."

... "از آنجایی که در برنامه‌ریزی آمایشی، هماهنگی بین سازمان‌ها مورد نظر است، بنابراین لازم است با سرلوحه قرار دادن این رویکرد، انسجام و هماهنگی بین سازمان‌های ذی‌ربط را ارتقاء داد..."

... "از سوی دیگر، بر اساس رویکرد آمایش می‌توان با نگرش همه جانبه به مسائل و موانع عدم موفقیت شهر رامشار در راستای تعادل فضایی، به آینده‌نگری، دورنگری و نتیجه‌گیری مکانی از محتویات استراتژی توسعه منطقه‌ای پرداخت و برنامه‌های توسعه این شهر را با استان سیستان و برنامه‌های کلان پیوند داد..."

... "فرایند ایجاد شهر رامشا به صورت عقلانی محور بوده و با مجموعه کنش‌گرا مشاوره نشده و توافق همگانی در آن مطرح نبوده است، از سوی دیگر، هماهنگی‌های افقی و عمودی بین دستگاهی در تصمیمات انجام نشده است..."

... "متخصص دیگر نیز مطرح نمود، هدف اساسی از مدیریت توسعه منطقه‌ای و آمایش سرزمین، توزیع فعالیت‌های مختلف و ظرفیت‌های آشکار و پنهان شهر رامشار با توجه به تحولات و دگرگونی‌های آینده است که با دیدی درازمدت و به منظور بهره‌برداری بهینه از امکانات و هویدا کردن نقش و مسئولیت خاص هر سازمان بر اساس توانمندی و قابلیت‌ها و هماهنگی با سایر سازمان‌ها تاکید دارد. به این دلیل است که آمایش بدون مدیریت توسعه منطقه‌ای عملاً کاربردی ندارد.

➤ گفتمان‌سازی بین سازمان‌های ذی‌ربط

از دیگر دلایل مهم در راستای اهمیت رویکرد آمایش در تعادل فضایی شهر رامشار، گفتمان‌سازی بین سازمان‌های ذی‌ربط است. در این بین، مصاحبه‌شوندگان اذعان نمودند:

... "رویکرد آمایش این فرصت را در اختیار مدیران اجرایی، برنامه‌ریزان و نهادهای عمومی و خصوصی و همچنین ساکنین محلی رامشار می‌دهد تا با شناسایی نقاط قوت، ضعف شهر رامشار، فرصت‌ها و تهدیدات را شناسایی نمایند و در نهایت راهکارهای مناسب را در کاهش تهدیدات ارائه نمایند..."

... "برخی از کاستی‌های شهر رامشار، را می‌توان چنین مطرح نمود؛ طرح‌ها و برنامه‌ها اغلب با سلیقه شخصی کارفرما تهیه شده و از اهداف اصلی برنامه فاصله گرفته است. بر این اساس، هیچ گونه فضای تنفس و هم‌اندیشی بین متخصصان، کارشناسان و ... انجام نشده است..."

در ادامه متخصص دیگر مطرح نمود:

... "دانشگاه به عنوان عقل منفصل جامعه است و افزودند، نهادهای اجرایی می‌بایست در اسرع وقت و بر اساس کارگروه‌های دانش محور نسبت به تشکیل اتاق‌های فکر و هیات‌های اندیشه‌ورز مشکل از دانشگاه و دستگاه‌های اجرایی اقدام کرده و با حضور فعال در این کارگروه‌ها، ویراست نهایی اهداف و طرح‌های توسعه رامشار بر اساس رویکرد آمایش به صورت بهینه، عملیاتی و مبتنی بر آینده‌پژوهی، تدوین کنند..."

همان متخصص مطرح نمود:

... "هر طرح و ایده‌ای که مبتنی بر دانش نباشد محکوم به شکست است از همین رو، دانشگاه‌هایی از جمله زابل، زاهدان به عنوان مرجع و ملجأ دانش در منطقه هستند و ایمان داریم تنها راه نجات و توسعه شهر رامشار با رویکرد آمایش پیوند بین دانشگاه و حوزه اجرایی است..."

... "همچنین لازم است، از جامعه نخبگان به عنوان یاریگر نهادهای اجرای یو پشتوانه‌ای قوی در برون رفت از مشکلات شهر رامشار یاد نمود و همچنین امیدوار هستیم که حاصل دست رنج و مطالعه دانشگاهیان به عنوان سندی گویا و همه جانبه به نهادهای بالادستی ارائه شود و کلیه اهداف متصور رویکرد آمایش به تحقق و اجرا برسد..."

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به شناسایی مهم‌ترین رویکرد در ایجاد تعادل فضایی شهرهای جدید (مورد مطالعه: شهر جدید رامشار سیستان)، انجام شد. از نتایج تئوری زمینه‌ای جهت شناسایی مهم‌ترین رویکرد در ایجاد تعادل فضایی شهر جدید رامشار، مقولات (توسعه متوازن، شرایط خاص ژئوپولیتیکی، شناسایی دقیق ویژگی‌های کمی و کیفی منطقه، مدیریت توسعه منطقه‌ای، حکمرانی خوب شهری و گفت‌وگو سازی بین سازمان‌های ذی‌ربط) در قالب رویکرد آمایشی، شناسایی شد. این نتایج نشان داد مهم‌ترین رویکرد در ایجاد تعادل فضایی شهر جدید رامشار، رویکرد آمایشی، است.

طبق نتایج مطالعات میدانی، شهر جدید رامشار در راستای تعادل فضایی عملکرد موفق‌تری نداشته است و مشکلات مطرح شده از سوی متخصصان و کارشناسان هر کدام به عنوان مانع بزرگی بر سر راه تعادل فضایی این شهر هستند. با توجه به ماهیت موانع مطرح شده در این تحقیق، توسعه شهر جدید رامشار بیشتر متمرکز بر ساخت مسکن بوده در حالی که فلسفه وجودی این شهر، ایجاد سکونتگاهی بدون مشکلات مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی و... است که سایر شهرهای سیستان با آنها دست به گریبان هستند. همین موضوع نیز سبب شده نظام مدیریت در این شهر به جای مدیریت شهری عهده‌دار مدیریت ساخت شهر بوده است، و به شهروندان که عنصر اصلی بهره‌بردار از شهر و به عنوان کسانی که قرار است در آن سکونت داشته باشند، به دست فراموشی سپرده شده است. در واقع، فقدان الگوی مطلوب در نظام مدیریت شهری رامشار با گذشت نزدیک ۲۰ سال یکی از مهمترین مسایل پیش‌روی در تعادل فضایی این شهر است.

از سوی دیگر، انتظار می‌رفت که شهر رامشار مبشر زندگی برتر باشد و با فراهم نمودن زیربناها و روبناهای مورد نیاز، زندگی آرام و با کیفیت را برای ساکنین فراهم نماید، اما پس از دو دهه از اجرای این سیاست، این توقعات همچنان برآورده نشده و همواره انتقادات فراوانی نسبت به سیاست‌های مطرح شده وجود دارد. همچنان عده‌ای معتقدند که سیاست‌های اسکان جمعیت و سیاست‌های مربوط به اشتغال با یکدیگر هماهنگ صورت نگرفته است، و اغلب ساکنین آن از وضعیت اشتغال و اقتصاد این منطقه شکایت دارند. در واقع مزیت‌های نسبی این شهر به صورت علمی و درست شناخته نشده است. در این راستا بر اساس دیدگاه متخصصان پیشنهاد شد که رویکرد آمایشی در این شهر در راستای تعادل فضایی ایجاد گردد. بر این اساس با تحقق رویکرد آمایش در شهر رامشار دستاوردهایی از جمله: سازماندهی نظام جمعیت، تقویت شبکه بین شهری و حوزه‌های روستایی، حفظ و نگهداشت جمعیت از طریق

توسعه در بخش‌های نوین اقتصادی و ایجاد مشاغل و کسب و کارهای مرتبط با گردشگری و....، فعالیت‌های تولیدی و خدماتی، تمرکززدایی و چگونگی مدیریت زمین و مسکن شهری و حفظ محیط زیست؛ محقق می‌گردد. هر چند معمولاً و به اشتباه، در برابر هر کاستی و معضلی در نظام شهرسازی و مشکلات در شهرهای جدید، حکم به آزمون آمایش داده می‌شود؛ در حالی که این رویکرد نه یک فرآورده (Product) و طرح بلکه بیشتر یک فرایند (Process) و برنامه است و نیازمند اراده مدیریتی و تمهیداتی نهادی مفصل در رامشار است. به طور مشخص بر اساس نتایج به دست آمده، می‌توان چنین مطرح نمود که برنامه آمایشی را معادل با برنامه راهبردی توسعه فضایی پایدار منطقه‌ای و محلی در این شهر دانست، و فرایندی است که در نهایت توسعه فضایی پایدار را موجب می‌شود. از این رو، این رویکرد درازمدت، راهبردی، مشارکتی، مدیریتی و توافق است. البته قابل ذکر است، رویکرد آمایش از نظریه‌های مختلفی از جمله: قطب رشد و عدم تمرکز بهره می‌برد و به اهداف توسعه منطقه‌ای، طراحی مطلوب سکونتگاه‌های انسانی و در نهایت نظام تعادل فضایی توجه دارد.

در نهایت با توجه به نتایج پیشنهادات ذیل ارائه شد:

- برای موفقیت در شهر جدید رامشار، توجه به فعالیت‌های صنعتی، خدماتی که دارای رشد بالای ارزش افزوده هستند، ضروری است. در واقع سرمایه‌گذاری در این زمینه قادر است به کاهش بیکاری در سطح منطقه کمک کند.
- توصیه می‌گردد که هماهنگی میان نهادها و سازمان‌ها برای ایجاد نهادها و ستادهای اجرایی در زمینه اشتغال و همچنین ایجاد قوانین، آیین‌نامه‌ها و دستورات سازمانی در درون خود در جهت این امر صورت گیرد.
- در بخش گردشگری نیز پیشنهاد می‌گردد بستری مناسب برای استفاده گردشگران داخلی و خارجی با توجه به تاریخ کهن منطقه و همجواری شهر جدید رامشار با شهر سوخته صورت گیرد.
- همچنین به منظور ساختار حاکمیتی توانمند و توسعه‌گرا در عرصه مدیریت شهر رامشار؛ باید ساختار سازمانی، چابک، توانمند، پویا و توسعه‌گرا اتخاذ گردد. بر این اساس توصیه می‌گردد، زیرساخت‌های حقوقی و روال‌ها و فرایند انجام وظایف را در مسیر چشم‌انداز سازمان‌های ذی‌ربط مورد بازنگری قرار دارد. در این بین، ضرورت استفاده از نیروی انسانی کارآمد بسیار ضروری است.
- به منظور پرهیز از اقدامات اقتدارگرایانه و پراکنده‌کاری و ناهماهنگی‌های مدیریتی در عرصه تعادل فضایی در شهر رامشار و تامین خدمات، اشتغال و....؛ لازم است سازمان‌های ذی‌ربط تا فرایند مداخله سه مرحله اصلی: نیازسنجی، امکان‌سنجی، نهادسازی را پشت سر گذارد.

منابع

۱. ارباب، پارسا، صدیقی، مهدی. (۱۴۰۰). مقایسه نسل‌های قدیم و جدید شهرهای جدید در چین (مطالعه موردی: منطقه کلانشهری شانگهای)، فصلنامه راهبرد توسعه، ۱۷(۶۶)، ۱۲۴-۱۵۸.

۲. اسکندری، حمید. (۱۴۰۱). تحلیل عوامل مؤثر بر جذب جمعیت در شهرهای جدید (نمونه موردی: شهر جدید صدرا). فصلنامه علمی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱۲(۴۵)، ۱۹۳-۲۱۰.
۳. امامی، میترا، عرب، نرگس. (۱۳۹۶). مروری بر شاخص‌های مکان‌یابی شهر جدید. انسان و محیط زیست، ۱۵(۲)، ۱۴۳-۱۳۱.
۴. براتی، ابراهیم، صابری، حمید، خادم‌الحسینی، احمد، اذانی، مهری. (۱۴۰۰). شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر در دستیابی به شهر اکولوژیک (مطالعه موردی: شهر دُرچه). برنامه‌ریزی فضایی، ۱۱(۴)، ۱۶۸-۱۵۱.
۵. پوراحمد، احمد، فرهادی، ابراهیم، قربانی، رامین. (۱۳۹۵). تعیین مناطق بهینه به منظور توسعه شهرها و شهرک‌های جدید با به کارگیری مدل‌های کارآمد (مورد مطالعه: استان تهران)، آمایش سرزمین، ۸(۲)، ۳۶۳-۳۳۱.
۶. جواهری‌تقدس، مصطفی، نسترن، مهین، زبردست، اسفندیار، بصیرت، میثم. (۱۳۹۹). آینده‌پژوهی نقش شهرهای جدید در ایجاد تعادل ساختار فضایی - کالبدی کلانشهرها با رویکرد و سیاست‌های آمایش سرزمینی. سیاست‌های راهبردی و کلان، ۸(۳۲)، ۷۹۴-۷۷۲.
۷. حاتمی‌نژاد، حسین، زمانی، زهرا، حاجی‌نژاد، صادق، قضایی، محمد. (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی شهرهای جدید در ایران. فصلنامه اطلاعات جغرافیایی «سپهر»، ۲۲(۸۸)، ۵۷-۴۷.
۸. حسین‌زاده دلیر، کریم، پورمحمدی، محمدرضا، سیدفاطمی، سیدمجید. (۱۳۹۰). بررسی ضرورت ایجاد شهرهای جدید در نظام شهری ایران. نشریه علمی جغرافیا و برنامه ریزی، ۱۶(۳۸)، ۱۸-۱.
۹. خمر، غلامعلی، وحدتی، معصومه. (۱۳۹۳). ارزیابی کمی و کیفی پویایی شهرهای جدید با مدل ELECTRE و تکنیک تحلیلی SWOT؛ مطالعه موردی شهرهای جدید پرند، بینالود، بهارستان، صدرا و سهند، جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، ۵۶، ۱۴۵-۱۶۲.
۱۰. ربانی، رسول، وحیدا، فریدون. (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی شهری، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان، تهران، انتشارات سمت.
۱۱. رهنمایی، محمدتقی، شاه‌حسینی، پروانه. (۱۳۷۳). فرایند برنامه ریزی شهری در ایران، تهران، سمت.
۱۲. سنچولی، بدیل، کریمیان‌بستانی، مریم، و حافظ‌رضازاده، معصومه. (۱۴۰۱). تحلیل آمایشی رویکردهای برنامه‌ریزی و طراحی شهر جدید تیس در راستای توسعه منطقه‌ای سواحل مکران. تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی (علوم جغرافیایی)، ۲۲(۶۴)، ۳۸۸-۳۶۹.
۱۳. شرکت عمران شهر جدید رامشار. (۱۴۰۲). مطالعات طرح جامع شهر جدید رامشار.
۱۴. صرافین، محمود. (۱۳۸۲). آرمانشهر کدام است، گاهنامه شهرهای جدید، تهران، نشریه داخلی، تخصصی شرکت عمران شهرهای جدید، ۳(۲۱).
۱۵. علیپور، حسین، سبحانی، نوبخت. (۱۳۹۶). تحلیل جایگاه شهرهای جدید در نظام فضایی کلانشهر تهران. مطالعات مدیریت شهری، ۹(۳۲)، ۱۱۶-۱۰۱.
۱۶. علی‌پور، عباس، هاشمی، سیدمصطفی، حسینی، سیدحسین. (۱۳۹۵). ارائه راهبردهای آمایش منطقه‌ای سواحل مکران ج. ا. ایران با رویکرد توسعه‌ای و امنیت، نشریه راهبرد دفاعی، ۴(۵۵)، ۱۵۴-۱۳۱.

۱۷. غلامی، غلام، سرور، رحیم، توکلان، علی. (۱۴۰۱). تعیین شاخص های ایجاد شهر جدید با استفاده از روش AHP و ارزیابی میزان دستیابی به اهداف ایجاد شهرهای جدید - مطالعه موردی: شهر جدید پردیس. فصلنامه اطلاعات جغرافیایی «سپهر»، ۳۱(۱۲۲)، ۱۸۹-۲۰۶.
۱۸. مژگانی، پروانه، جهانشاهلو، لعل، حسین زاده لطفی، فرهاد، رجبی، آزیتا. (۱۴۰۱). تحلیل میزان تاثیر زیرساخت های شهری بر کارایی شهرهای جدید (نمونه موردی: شهر جدید هشتگرد و پردیس). فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، ۱۲(۴۹)، ۲۷۶-۲۵۶.
۱۹. یوسف پور، محدثه، جمعه پور، محمود، خاکساری رفسنجانی، علی. (۱۴۰۲). پراکندگی هویتی در شهرهای جدید و راهکارهای شکل دهی به هویت مستقل (مطالعه موردی: شهر جدید پردیس). فصلنامه برنامه ریزی توسعه شهری و منطقه ای، ۸(۲۶)، ۸۵-۴۳.
20. Akuh, R, Zhong, M, Raza, A, Dong, Y. (2023). A method for evaluating the balance of land use and multimodal transport system of new towns/cities using an integrated modeling framework, *Multimodal Transportation*, 2(1), 100063.
21. Alghais, N, Pullar, D. (2018). Projection for new city future scenarios – A case study for Kuwait, *Heliyon*, 4(3).
22. Bangura, M., Lee, C.L. (2023). Spatial connectivity and house price diffusion: The case of Greater Sydney and the regional cities and centres of New South Wales (NSW) in Australia, *Habitat International*, Vol. 132, Article number 102740.
23. Chang, G. Ch, Sugie, L, Heungsoon, K, Eun Yeong, S. (2019). Critical junctures and path dependence in urban planning and housing policy: A review of greenbelts and New Towns in Korea's Seoul metropolitan area, *Journal: Land Use Policy*, 80, 195-204.
24. He, S.Y., Wu, D., Chen, H., Hou, Y., Ng, M. K. (2020). New towns and the local agglomeration Economy. *Habitat International*, 98, 102-153.
25. Rumbach, A. (2014). Do new towns increase disaster risk? Evidence from Kolkata, India, *Journal: Habitat International*, 43 (2), 117-124.
26. Su, X. (2023). Building new cities in the Global South: Neoliberal planning and its adverse consequences, *Urban Governance*, 3(1), 67-75
27. Zabihi, H. Ahmad, A. Vogeler, I. Nor Said, M, Golmohammadi, M, Golein, B. (2015). Suitability procedure for sustainable citrus planning using the application of the analytical network process approach and GIS, *Computers and Electronics in Agriculture*, journal homepage., 117, 114- 126.
28. Ziari, K. (2006). The planning and functioning of new Iran, *Cities*, 23(6), 422-436.